



نقد و بررسی ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی

دکتر سید محمود مجیدی

مقایسه مواد قانونی مربوط به شرایط سرقت مستوجب حد در قانون حدود و قصاص (مصوب سال ۱۳۶۱) و قانون مجازات اسلامی سال (۱۳۷۰)، نشانگر این واقعیت است که مقنن در ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی، سعی داشته است که از پراکندگی شرایط جرم مزبور در مواد گوناگون جلوگیری نماید؛ لیکن به نظر می‌رسد در این میان هنوز مطالبی وجود دارد که شایسته بود مقنن با ذکر آن مطالب لازم از بروز ابهامات و سوء برداشتهای احتمالی جلوگیری نماید. یکی از نکات لازمی را که مقنن قانون مجازات اسلامی می‌بایستی متذکر می‌شد، اشاره به تفکیک بین شرایطی که عدم تحقق آن شرایط باعث رفع مجازات به طور کلی می‌شود و شرایطی که عدم وجود آنها تنها موجب تخفیف در مجازات می‌شود و قابلیت رفع مجازات به طور کلی را ندارد. توضیح آنکه، برای مثال مطابق قول مشهور فقهای

نمود به نارساییهای موجود در ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های ذیل آن اشاره نماییم. نحوه بررسی نارساییها و اشکالات موجود در ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های آن به ترتیب ذیل بیان می‌شود:

الف - عدم تفکیک صریح مجازاتها در ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی.

ب - تبیین نارساییهای موجود در بندهای ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی.

ج - نارساییهای ناشی از حذف برخی از بندهای ماده (۲۱۳) قانون حدود و قصاص.

تعیین نارساییهای موجود در این ماده را از نارساییهای ناشی از عدم تفکیک مجازاتها در ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی آغاز می‌کنیم.

الف) عدم ارائه تفکیک مشخص از مجازاتها در ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی:

در باب هشتم از کتاب حدود، قانونگذار به تعیین جرم سرقت مستوجب حد پرداخته است و بعد از ارائه تعریفی مبهم و سؤال برانگیز از سرقت در ماده (۱۹۷) قانون مجازات اسلامی، به تعیین شرایط سرقت مستوجب حد در قالب ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی پرداخته است. قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) نیز مقنن در قانون حدود و قصاص و در ماده (۲۱۳) آن قانون، به تبیین شرایط جرم سرقت مستوجب حد پرداخته بود. دقت و تأمل پیرامون مواد قانونی یاد شده و مقایسه آن با اقوال فقها در کتب فقهی، نشانگر این مطلب است که مقنن هم در ارائه تعریفی جامع و مانع از سرقت و هم در مقام تبیین شرایط سرقت مستوجب حد، ناموفق عمل نموده است. نقد و بررسی تعریف ارائه شده در ماده (۱۹۷) قانون مجازات اسلامی را به فرصتی دیگر وا می‌گذاریم و در این مقاله سعی خواهیم

شیعه، اگر چه رسیدن به بلوغ شرعی یکی از شرایط لازم برای اجرای مجازات سرقت حدی بر مرتکب می‌باشد، لیکن عدم بلوغ باعث رفع مجازات به طور مطلق از طفل نمی‌گردد؛ زیرا اکثر فقهای شیعه با بیان تفکیک بین صغیر ممیز از صغیر غیر ممیز، اجرای مجازاتهای تعزیری را بر طفل ممیز بلامانع دانسته‌اند.^(۱) اما در مقابل، در بین شرایط سرقت مستوجب حد، به شروطی برخورد می‌کنیم که عدم تحقق آنها موجب رفع مجازات به طور کلی می‌گردد که در این باره می‌توان به شرط عدم اضطرار اشاره نمود که تحقق آن نه تنها مانع از اجرای مجازات حدی می‌شود، که از اجرای مجازات تعزیری بر مرتکب نیز جلوگیری می‌کند.^(۲) ب) تبیین نارساییهای موجود در بندهای شانزده گانه ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی:

دقت و تأمل پیرامون بندهای متعدّد موجود در ذیل ماده (۱۹۸) نشان می‌دهد، که مقنّن نتوانسته است به نحو شایسته و مطلوب در تدوین ماده مزبور عمل نماید.

۱ - ب - بررسی بندهای ۳ و ۴ از ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی:

بند «۳» (سارق با تهدید و اجبار وادار به سرقت نشده باشد)

بند «۴» (سارق قاصد باشد) مقنّن در تدوین این بند، به نحوی از کلمات استفاده نموده است که این شبهه را برای خواننده به وجود می‌آورد که دو بند فوق در مقام بیان یک مطلب است؛ زیرا در تدوین بند سوم از کلمه «اجبار» استفاده نموده است و در مفهوم حقوقی اجبار پرواضح است که اراده و قصد مختل می‌گردد و این همان مفهوم بند چهارم از ماده مزبور است، مگر آنکه منظور از کلمه «اجبار» در بند سوم را به معنای اکراه قلمداد نماییم که این روش، عدم استخدام

دقیق کلمات حقوقی در معنای خاص خود از مرجعی چون قانونگذار، ناموجه جلوه می‌نماید.

۲ - ب - بررسی بند پنجم از ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی:

بند «۵» (سارق بداند و ملتفت باشد که مال غیر است)

اگرچه تدوین این بند از ماده مزبور به پیروی از اقوال فقها در کتب فقهی صورت گرفته است، لیکن نکته‌ای که ذکر آن می‌توانست جامعیت بیشتری را به ماده فوق اعطا نماید، اظهار نظر مقنّن پیرامون سرقت از مال شریک (مال الشركة) و مال مشاع می‌باشد.

اکثر فقهای شیعه درباره سرقت از مال الشركة، بین حالت علم به عدم جواز دخالت در مال الشركة بدون اجازه او و حالت جاهل بودن مرتکب به این مسئله، قایل به تفصیل شده‌اند و تنها در حالت علم مرتکب به این مسئله و در صورتی که مقدار مالی را که برداشته است از میزان حد نصاب قطع تجاوز نماید، حکم به تحقق سرقت مستوجب حد داده‌اند.^(۳)

در مورد سرقت از مال مشاع نیز همان دو دیدگاه معروف وجود داد که یک دیدگاه بیان می‌دارد که چون هر جزء از مال مشاع متعلق به کلیه شرکا است نمی‌توان بر این اساس نسبت به هر یک از شرکا به مفهوم واقعی کلمه، «مال غیر» قلمداد نمود و دیدگاه دوم نیز اعتقاد دارد که تنها در صورتی می‌توان کسی را از ارتکاب جرایم علیه اموال مبراً قلمداد نمود که وی مالک مال باشد و چون شرکا در تمامی اجزای مال مشاع شریک می‌باشند، نمی‌توان آن را مال هر یک از شرکاء قلمداد نمود.

در هر حال، اظهار نظر صریح مقنّن در این قسمت می‌تواند راهگشای محاکم (نسبت به

این مسئله) در کلیه جرایم علیه اموال باشد. ۳ - ب - نقد و بررسی بند یازدهم از ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی: (سارق پدر صاحب مال نباشد)

اگر چه هم در بین فقهای اسلامی و نیز در بین حقوقدانان درباره اینکه علت معافیت پدر از مجازات حدی چه می‌باشد، و آیا مادر نیز به مانند پدر از معافیت فوق استفاده می‌کند، اختلاف نظر وجود دارد؛ لیکن^(۴) مشهور فقهای شیعه بر این مطلب تصریح نموده‌اند که جد پدری نیز به مانند پدر از معافیت فوق بهره‌مند می‌شود و حتی در برخی از کتب فقهی بر این مطالب ادعای اجماع نیز شده است.^(۵)

عدم اشاره مقنّن به جد پدری در بند (۱۱) از ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی، در اذهان برخی از حقوقدانان این احتمال را مطرح نموده است که چون واژه پدر در زبان فارسی معمولاً تنها به پدر بلافصل گفته می‌شود و به علاوه، هر گاه منظور قانونگذار همان الحاق جد پدری به پدر می‌بوسد باید به مانند مقررات حد قذف (تبصره ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی) و یا قتل (ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی)، به این امر تصریح می‌نمود. عدم اشاره به جد پدری در بند مزبور را نشانه این مطلب تلقی نموده‌اند که قانونگذار نمی‌خواسته است این حکم خلاف اصل را به جد پدری نیز سرایت دهد.^(۶)

در هر حال، به نظر می‌رسد تصریح این بند از ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی، به جد پدری به پیروی از مشهور فقهای شیعه خواهد توانست به وجود این احتمالات و سوء برداشتهای دیگر پایان بخشد.

۴ - ب - بررسی و نقد بند «۱۲» از ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی: (سرقت در سال قحطی باشد)

صرف نظر از ایراد برخی از اساتید حقوق نسبت به، به کارگیری کلمه «سال» به جای «دوران» در ماده مزبور، آنچه به اعتقاد نگارنده نسبت به این بند از ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی، قابل ایراد می باشد، همان عدم مطابقت این بند از ماده (۱۹۸) با مقررات فقهی است. توضیح آنکه، اکثر فقهای (۲) شیعه شرط استفاده سارق از معافیت مجازات را مقید به خوراکی بودن آنچه دزدیده و یا حالت اضطرار نموده اند؛ در حالی که مقنن در بند «۱۲» «سرقت در سال قحطی را به طور مطلق باعث معافیت از مجازات دانسته است که از این جهت، به دلیل اینکه با اقوال اکثر فقهای مطابقت نمی کند قابل ایراد می باشد. مضافاً بر اینکه، از نظر توجیهاات حقوقی نیز قابل دفاع جلوه نمی کند؛ زیرا ممکن است فردی به رغم زندگی در دوران قحطی، دارای مکنت کافی از نظر اموال و دارایی باشد در حالی که معافیت این فرد از مجازات، منطقی به نظر نمی رسد. حضرت امام خمینی (ره) در «تحریر الوسیله» نیز در این باره قایل به تقیید دوران قحطی به خوراکی بودن مال مسروقه و یا اضطرار سارق شده اند و قائل شدن به اجرای حد در غیر خوراکی و در غیر حالت اضطرار را محل اشکال قلمداد نموده اند. (۸)

۵- ب- نقد و بررسی بند سیزدهم از ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی: (حرز از سارق غصب نشده باشد)

بحث اصلی فقها در این مورد همان پاسخ دادن به این سؤال است که آیا در تحقق سرقت مستوجب حد، شرط است که حرز از آن مالک باشد یا خیر؟ دو سؤالی را که اکثر فقها در کتب خود به آن پرداخته اند، همانا در مورد دوعقد اجاره و عاریه است که در مورد اجاره اتفاق نظر دارند که هرگاه سارق اموال مستأجر را از حرزی که خود به مستأجر اجاره داده، بریاید،

در صورت تحقق سایر شرایط سرقت مستوجب حد، مجازات حد قطع ثابت می گردد و در مورد عاریه نیز اکثریت فقها رأی به درستی این عقیده داده اند که تا زمانی که عقد عاریه پابرجاست، معیر حق ندارد در حرزی که به مستعیر عاریه داده، داخل شود. به عبارت دیگر، جایز بودن عقد را به معنای اجازه معیر نسبت به داخل شدن او در مورد عاریه ندانسته اند.

فقهای اسلامی، (۹) ضمن اشاره به دو

* * * * *

اگرچه رسیدن به بلوغ شرعی یکی از شرایط لازم برای اجرای مجازات سرقت مدی بر مرتکب می باشد، لیکن عدم بلوغ باعث رفع مجازات به طور مطلق از طفل نمی گردد؛ زیرا اکثر فقهای شیعه با بیان تفکیک بین صغیر ممیز از صغیر غیر ممیز، اجرای مجازاتهای تعزیری را بر طفل ممیز بلامانع دانسته اند

* * * * *

مبحث فوق، قایل شده اند که هرگاه سارق از حرزی که مالک مال از او غصب کرده، اموالی را بریاید، موجب حد قطع نمی شود؛ زیرا حرز نسبت به سارق در امان است. (۱۰) از آنجا که طبق نظر فقها حکم مربوط به غصب حرز را نباید به کلیه مواردی که سارق مالک حرز است تسری بدسیم، شایسته بود که مقنن در یکی از تبصره های ماده مزبور به عنوان اصل کلی اشاره می نمود که مالک بودن حرز توسط سارق مانع از تحقق سرقت نمی شود و سپس به صورت استثناء بیان می نمود که اگر حرز توسط مالک از سارق غصب شده باشد مجازات حدی ساقط می شود.

نارسایی دیگر موجود در بند سیزدهم عبارت است از اینکه این بند، حکم فوق را محدود به موردی نموده که مغضوب عنه، مرتکب سرقت مالی از درون حرز غصب شده از وی شود؛ اما تا جایی که نگارنده به اقوال فقها رجوع نموده است معمولاً فقها، غصبی بودن حرز را به طور مطلق موجب عدم اجرای حد بر سارق (اعم از اینکه او مالک حرز باشد یا دیگری) می دانند. (۱۱) و دلیل آنها عبارت است از اینکه، احراز به معنای در امان بودن از منافع مال محسوب می شود و غاصب مستحق منافع نیست.

۶- ب- نقد و بررسی بند ۱۶ از ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی: (مال مسروق از اموال دولتی و وقفی نباشد)

تدوین بند فوق به پیروی از دیدگاه اکثر فقهای شیعه است که اعتقاد دارند سرقت از اموالی که مالک مشخصی ندارند موجب تخفیف مجازات سارق از حد به تعزیر می باشد. (۱۲) اما ایرادی که به بند مزبور از ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی وارد می باشد آن است که، چون هم از نظر حقوقدانان اسلامی و نیز از نظر قانون مدنی ما، برخلاف وقف عام، در وقف خاص مال موقوفه به ملکیت موقوف علیه در می آید، لذا دزدیدن مال موقوفه وقف خاص می تواند مستوجب حد قطع گردد. لیکن مستفاد از ظاهر بند فوق، عدم تفاوت بین وقف عام و خاص می باشد. ضمن اینکه حقوقدانان وجود قید (مالک شخصی ندارد) در بند فوق را نیز به دلیل اینکه وقف از نظر قانون ما (حبس عین و تسبیل منفعت است) از برای منصرف نمودن از اطلاق کلمه وقف به عام، کافی ندانسته اند. (۱۳)

ج) نارساییهای ناشی از حذف بی مورد تبصره های ماده (۲۱۴) قانون حدود و

مجله نامه شماره ۳۷، سال هفتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲

قصاص.

حذف مقررات لازم و یا سکوت مقنن در بسیاری از موارد در مقررات کتاب حدود از قانون مجازات اسلامی، ابهامات زیادی را پدید آورده است. یکی از موارد حذف بدون دلیل مقنن، تبصره‌های مهم ذیل ماده (۲۱۴) قانون حدود و قصاص است که در قانون مجازات اسلامی سال (۱۳۷۰)، حذف شد و سؤالاتی را در ذهن حقوقدانان پدید آورد.

مقنن اسلامی به تبعیت از قول مشهور فقها، لزوم رسیدن ارزش مال مسروقه به حدنصاب (۴/۵ نخود طلای مسکوک که به صورت پول معامله می‌شود و یا ارزش آن به این مقدار باشد) را هم در ماده (۲۱۴) قانون حدود و قصاص و هم در بند «۹» از ماده (۱۹۸) قانون مجازات اسلامی، از جهت تحقق یکی از شرایط سرقت مستوجب حد، اشاره نمود. اما در مورد شرط حدنصاب، چند سؤال مهم قابل طرح است: اول اینکه، برای تعیین ارزش مال مسروقه، چه زمانی را باید ملاک قرار داد؟ تبصره «۲» ماده (۲۱۴) قانون حدود و قصاص، میزان در ارزش مال را قیمت زمان سرقت قلمداد می‌کند. تدوین این ماده منطبق با قول مشهور فقهای شیعه بلکه با نظریات اکثر فقهای عامه بود. (۱۴) معلوم نیست که به چه دلیل قانونگذار در سال (۱۳۷۰)، به حذف بدون دلیل این تبصره پرداخت.

سؤال دیگری که در این باره قابل طرح است، مربوط به حدنصاب لازم در مورد شرکت در سرقت می‌شود که تبصره «۳» ماده (۲۱۴) قانون حدود و قصاص، پاسخ به سؤال فوق را چنین جواب داده بود: (هرگاه دو یا چند نفر در سرقت مال شریک باشند باید سهم هر یک از آنان به مقدار فوق برسد). تدوین این تبصره،

اقدام به پذیرش یکی از دو نظری بود که در بین فقها متداول بود؛ زیرا در مقابل نظری که در تبصره «۳» ماده (۲۱۴)، منعکس شده بود، برخی از متأخرین اعتقاد دارند که در صورت مزبور، رسیدن به حدنصاب کافی است. (۱۵) در حالی که برخی دیگر از فقها، رأی به لزوم رسیدن سهم هر کدام به حدنصاب داده‌اند. (۱۶) و برخی دیگر از فقهانسبت به رجحان یکی از دو قول مردّد شده‌اند. (۱۷)



پی نوشت‌ها:

- ۱ - امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۴۸۲/۲، آیه‌ا... خوبی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲۷۹/۱، آیه‌ا... تبریزی (میرزا جواد)، اسس الحدود و التمزیرات/۳۰۹.
- ۲ - آیه‌ا... نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۵۰۸/۴۱.
- ۳ - امام خمینی، همان، ج ۴۸۲/۲ - آیه‌ا... خوبی، همان ج ۲۸۴/۱.
- ۴ - آیه‌ا... نجفی، همان، ج ۴۸۸/۴۱ - آیه‌ا... تبریزی، میرزا جواد، همان منبع، ج ۲۸۴/۱.
- ۵ - نجفی، همان، ج ۴۸۸/۴۱.
- ۶ - میر محمد صادقی، حسین، جرایم علیه اموال، ۳۱۳/۱.
- ۷ - آیه‌ا... خوبی، همان، ج ۲۸۷/۱ - آیه‌ا... نجفی، همان، ج ۵۰۷/۴۱.
- ۸ - امام خمینی، همان، ج ۴۸۶/۲.
- ۹ - آیه‌ا... نجفی، ج ۵۱۲/۴۱.
- ۱۰ - آیه‌ا... تبریزی، همان، ۳۴۲/ - آیه‌ا... نجفی، همان ج ۵۱۳/۴۱.
- ۱۱ - آیه‌ا... نجفی، همان، ج ۵۱۲/۴۱.
- ۱۲ - آیه‌ا... نجفی، همان منبع، ج ۵۱۲/۴۱.
- ۱۳ - میر محمد صادقی، حسین، همان منبع/۲۰۷.
- ۱۴ - برای دیدن نظرات مختلف، ر. ک. به: میرمحمد صادقی، همان منبع/۲۰۷.
- ۱۵ - آیه‌ا... نجفی، جواهر، ج ۵۴۶/۴۱.
- ۱۶ - آیه‌ا... خوبی، همان ۲۱۲/۱، امام خمینی، ج ۴۹۰/۲.
- ۱۷ - محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۱۷۸/۴.